

بررسی یادگیری و امنیت اجتماعی در مدرسه

هادی علی مددی

دبیرآموزش و پرورش ناحیه دوی و مدرس دانشگاه فرهنگیان واحد شهید مفتاح، تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها و پیش نیاز رفع بسیاری از نیازهای بشری است. اگر افراد امنیت نداشته باشند، نه تنها نمی‌توانند نیازهای خود را رفع کنند، بلکه ممکن است آنچه دارند، از جمله جان که عزیزترین مایملک بشر است، را نیز از دست بدهند. یادگیری یکی از مباحث مهم در روانشناسی است و در مطالعات تربیتی و آموزشی بسیار مورد تاکید قرار گرفته است، در نتیجه مورد توجه صاحب‌نظران زیادی است. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش یادگیری، به روند ایجاد تغییراتی تقریباً پایدار در رفتاری که نتیجه تجربه است، گفته می‌شود. نیاز به امنیت با گسترش جوامع بشری، رواج فردگرایی و زیاده خواهی بشر به نیازی ضروری تبدیل شده است. همین امر موجب گردیده است بخش قابل توجهی از تلاش انسان‌ها و هزینه‌های کشورها صرف تأمین این نیاز مهم بشری شود. یکی از انواع امنیت که در سال‌های اخیر به ویژه در مکتب فرانکفورت به میزان بسیاری مورد توجه قرار گرفته است، امنیت اجتماعی است که تعاریف متفاوتی درباره‌ی آن بیان شده است.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می‌شود که یاددهی و یادگیری غیراصولی و به کارگیری نیروهای اجرایی غیرمتخصص پیامدهای مخرب اقتصادی و اجتماعی برای دانش‌آموزان به همراه خواهد داشت. برخی برای تعریف آن بر مجموعه‌ای از شرایط مانند اهمیت عنصر هویت، تعدد ابعاد امنیت، غیرامنیتی کردن موضوعات و غیره تأکید می‌کنند. اگرچه ظرفیت‌های این مفهوم، بسیار بیشتر از آنچه است که پیروان این مکتب بیان کرده‌اند و می‌توان آن را مفهوم محوری یک گفتمان جدید دانست که بر اساس آن، درک امنیت بدون توجه به زمینه اجتماعی آن میسر نیست. بر اساس این گفتمان جدید، امنیت موضوعی برخاسته از اجتماع تلقی می‌شود و این باور مرجعیت می‌یابد که امنیت و ناامنی در هویت بازیگر نهفته است.

واژگان کلیدی: معلم، یادگیری، دانش‌آموزان، مدرسه، امنیت اجتماعی

مقدمه

توانایی یادگیری در زمینه‌های مختلف مهارتی است که امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی، یکی از ویژگی‌های مهم انسانی بشمار می‌آید. بخش قابل توجهی از اطلاعات بشری از طریق یادگیری کسب می‌شود. تحولات و سرعت تغییر علم و فناوری انسانها را با چالش‌های گوناگون مواجه می‌کند که برای ایجاد تعادل و توازن، مهارت توانایی یادگیری تمام مسائل و مشکلات جدید را حل می‌کند [۲]. امنیت مفهومی بنیادی و از ضروریات زندگی بشر است. انسان‌ها در طول تاریخ، همواره در جستجوی شرایط امن و عاری از خطر به سر برده و راههای مختلفی را برای دستیابی به آن آزموده‌اند، در واقع می‌توان گفت اولین نهادهای اجتماعی نیز در پاسخ به این نیاز شکل گرفته‌اند؛ از این رو امنیت جزء عناصر اصلی سازنده زندگی اجتماعی شناخته می‌شود [۱]. علاوه بر اینکه مردم و افراد عادی به اهمیت امنیت در زندگی شخصی و عمومی خود شناخت پیدا کرده‌اند، اکثر محققان حوزه‌های مختلف علمی نیز به اهمیت و ارزش آن اشاراتی داشته و باور دارند که امنیت از نیازهای ضروری و پایه‌ای فرد محسوب می‌گردد. براین اساس، امنیت جزو عناصر اصلی سازنده زندگی اجتماعی شناخته می‌شود و نهادهای اجتماعی در پاسخ به این نیاز شکل گرفته‌اند [۲]؛ همانطور که لارونی (۱۹۴۰) و جان مورز (۱۹۹۸) امنیت را عبارت از: تضمین رفاه آتی و رهایی نسبی از تهدیدات زیان بخش می‌دانند؛ چراکه امنیت چه از نظر افراد مدرسه و چه از نگاه اندیشمندان، به عنوان یک نیاز اساسی و ضروری در زندگی بشر معرفی می‌شود؛ لذا باید دانست که با زوال و نابودی آن نیز آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را خواهد گرفت [۳]. بنابراین، اندیشمندان بر این اعتقادند که وجود امنیت در میان اعضای یک مدرسه، به همان اندازه مهم است که احساس امنیت در آن مدرسه. در واقع، با پیدایش مکتب کنش متقابل نمادین، تدریجاً ابعاد ذهنی و احساسی علاوه بر ابعاد هستی‌شناختی و ذاتی پدیده‌های اجتماعی، اهمیت یافتند [۴].

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی و مروری تحلیلی می‌باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب‌های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم‌ترین موتورهای جستجو و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودن از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال‌های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه‌های معینی در یک متن و یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌دانند. متن می‌تواند شامل کتاب، فصل یا فصل‌هایی از یک کتاب، نوشته‌ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

مبانی نظری

مفهوم یادگیری

گانه تعریفی از یادگیری شبیه تعریف فوق ارائه نموده است و بیان کرده است که یادگیری باعث ایجاد تغییراتی در انسان می‌شود که برای مدتی می‌تواند در وی باقی بماند ولی نمی‌توان به سادگی آن را به فرآیندهای رشد و نمو نسبت داد. یادگیری با آموزش تفاوت‌هایی دارد که این مبحث باعث شده است صاحب‌نظران، آموزش را به عنوان یک سری فعالیت‌هایی در نظر بگیرند که برای تسهیل نمودن یادگیری از طرف مدرس طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی شده است و بین شخص یادگیرنده و مدرس، کنش متقابلی ایجاد می‌شود [۴]. پس می‌توان چنین برداشت نمود که یادگیری به عنوان نقش معطوف‌کننده در شخص یادگیرنده ایجاد می‌شود

†Laroni

‡John Moores

ولی آموزش وسیله وصال به یادگیری می‌باشد. معلم در آموزش آسان‌کننده یادگیری می‌باشد؛ اما یادگیری فعالیتی به شمار می‌رود که تنها منوط به یادگیرنده و تمایلات یا خواسته‌های وی برای یادگیری قلمداد می‌گردد. یادگیری زمانی رخ می‌دهد که موقعیت محرک همراه با محتوا و حجم حافظه بر شخص یادگیرنده به گونه‌ای باشد که عملکرد وی را در پایان و در حالت قرارگرفتن در آن موقعیت تغییر دهد. تغییر ایجادشده همان چیزی است که ما را سوق می‌دهد به سمت استنباط اینکه یادگیری اتفاق افتاده است [۵]. تلاش بر این است که با یادگیری بتوان رفتار قابل مشاهده فرد را به عنوان عملکرد وی مورد سنجش قرار داد و در حقیقت مقیاس سنجش وقوع یادگیری، عملکرد فرد می‌باشد.

محورهای اساسی یادگیری

یونسکو در قرن بیست و یکم جهت تحقق رشد و توسعه انسانی برای تعلیم و تربیت، محور اساسی را به سمت یادگیری مطرح نموده است تا با توجه به آن در طول زندگی پایه‌های دانش تشکیل گردد که شامل چهار محور زیر می‌باشد:

- یادگیری چگونه دانستن؛ ابزارهای درک و شناخت را در اختیار افراد قرار می‌دهد.
- یادگیری چگونه انجام دادن؛ جهت خلاق عمل نمودن در محیط می‌باشد.
- یادگیری زندگی با دیگران؛ می‌بایست در همه فعالیت‌ها، مشارکت و همکاری با دیگران را به همراه داشته باشد.
- یادگیری چگونه بودن، براساس سه مرحله پیشین پیشرفت می‌کند [۶].

فرایندهای آموزش و پرورش باید بتواند یادگیری را تضمین کند. به بیان دیگر اگر تغییر و تحولی در رفتار ایجاد نشده باشد در واقع هیچ نوع یادگیری صورت نگرفته است و آن آموزش و پرورش تحقق نیافته است. بنابراین تغییر و تحول در رفتار را ناشی از فرایند یادگیری تعبیر نموده‌اند. یعنی هرگاه تغییری در رفتار فرد ایجاد شود در حقیقت یادگیری صورت گرفته است. ولی این سوال پیش می‌آید که آیا هرگونه تغییری در رفتار فرد، یادگیری محسوب می‌شود یا خیر و به لحاظ آموزش و پرورش اهمیت دارد؟ جواب این است که تغییرات ایجادشده ناشی از فرایندهای طبیعی بدن یا رشد و به عبارتی رسیدن به مرحله پختگی و بلوغ، اگرچه مطلوب و پسندیده است ولی یادگیری به شمار نمی‌رود و از جمله فرایندهای آموزش و پرورش قلمداد نمی‌شود. بلکه آن دسته از تغییرات در رفتار را می‌توان یادگیری نامید و نتیجه آموزش و پرورش است که به صورت منطقی دارای دو ویژگی تسلط و تجربه باشد [۷].

➤ **تسلط:** همیشه فرایندهای یادگیری با کسب نوعی تسلط و مهارت در خصوص چیزی یا کاری همراه می‌باشد و منتهی به درجه معینی از پیشرفت یا توفیق در آن کار می‌شود. یعنی زمانی گفته می‌شود یادگیری صورت گرفته است که به اندازه یا حد معینی از دانستن یا توانایی انجام دادن کاری رسیده باشیم.

➤ **تجربه:** ایجاد تسلط به تنهایی برای مشخص نمودن یادگیری کافی نمی‌باشد چون این امکان وجود دارد که بعضی از دانستنی‌ها، در نتیجه تغییرات ناشی از بلوغ در فرد ایجاد شود و به مهارت‌هایی دست پیدا کند ولی این دانستنی‌ها و مهارت‌ها به عنوان چیزهایی که آموزش دیده، توصیف نشده است. آنچه به آن اهمیت داده می‌شود تسلط و دستیابی به معرفت و مهارت‌هایی است که از خود شخص حاصل شود. این عبارت بدان معناست که تغییر رفتار و یادگیری بتواند به وسیله تجربه که حاصل تعامل فرد با محیط می‌باشد کسب گردد. معمولاً روان‌شناسان اصطلاح یادگیری را جهت هرگونه تغییری که در رفتار ایجاد شده است، استفاده می‌نمایند [۸]. با این شرط که این تغییر ناشی از تحولات طبیعی خود فرد نباشد. هیلگارد و مارکویز تعریفی از یادگیری ارائه داده‌اند که نشان می‌دهد یادگیری یعنی کسب تغییرات کم و بیش دائمی در رفتار بالقوه شخص یادگیرنده، با این شرط که این تغییرات با توجه به گرفتن تجربه اتفاق افتاده باشد، نه این که حاصل عواملی مانند خستگی، مصرف داروهای مخدر و تغییرات ناشی از بلوغ افراد باشد. اما به طور کلی می‌توان اصطلاح یادگیری را برای موارد تغییر رفتاری که از تجربه خودآگاه یا ناخودآگاه حاصل شود و به نوعی جهت پیشرفت و توفیق در تحصیل آموزشی ضروری می‌باشد، استفاده نمود [۹].

1. UNESCO (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization)

2 - Hilgard & Marquis

فرآیند آموزش و پرورش تنها شامل یادگیری نمی‌شود بلکه تدریس نیز در این فرایند قرار می‌گیرد؛ اگر چه در این مورد ارتباطی منطقی نیست. آموزش و پرورش بدون تدریس هم می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد و به نظر بعضی‌ها، آموزش و پرورش واقعی مستقل از عمل کردن است؛ بدین معنا که شخص بدون اینکه از کسی آموزش ببیند، بسیار چیزهای مطلوبی را یاد بگیرد و این آموخته‌ها را به صورت مستقل استفاده نماید. این نوع اعتبار با انواع مختلفی از یادگیری بدون تدریس نیز انجام می‌شود و یادگیری ارشادی، ملاک و معیار خاصی را مطرح نمی‌کند که یادگیری باید در موقعیت تدریس شکل بگیرد. از طرف دیگر، به طور کلی واقعیت تجربی این است که اگر موقعیت یادگیری به صورت روشنی به وسیله معلم تنظیم شود، اکثر موارد سریع‌تر و مطمئن‌تر یاد گرفته می‌شوند. با این وجود نباید تصور شود یادگیری، آموزش و پرورش که هر دوی آن برای تدریس لازم هستند. امروزه در آموزش و پرورش، یادگیری را بیشتر از تدریس مورد توجه قرار می‌دهند که نشان دهند آموزش و پرورش بر اساس یادگیری استمرار دارد [۱۰].

توجه بیش از حد به یادگیری و یا کم توجهی به تدریس باعث شده است که یادگیری آن چیزهایی که جهت رسیدن به اهداف آموزش و پرورش ضروری‌اند چندان مورد توجه نباشد و در نتیجه تحصیلات آموزشی (آموزش و پرورش رسمی) مسیر طبیعی و مطلوب خود را طی نکند. به سخن روشن‌تر به دلیل عدم امکان عملی و پیش‌بینی فعالیت و فرصت یادگیری مورد نظر است که بدون تدریس نمی‌توان به بیشتر هدفهای آموزش و پرورش نایل شد. از این رو آن چه برای معلم اهمیت دارد این است که درباره‌ی ماهیت چنان فعالیتی (تدریس) اطلاعات دقیق‌تری داشته باشد تا بتواند آن فعالیت‌ها را برای دستیابی به هدفهای آموزش و پرورش تنظیم کند و به مورد اجرا بگذارد [۱۱].

عقیده بر این است که هسته مرکزی هدفهای آموزش و پرورش را انواع معرفت نظام‌یافته و مهارت‌هایی تشکیل می‌دهند که در قالب اشکال گوناگون تجارب عینی و واقعی ارائه می‌شوند. دستیابی به این معرفت‌های نظام‌یافته و مهارت‌ها و توسعه‌ی مطلوب قوای ذهنی و کیفیات آن که مورد توجه آموزش و پرورش هستند، در نتیجه بیشتر چیزهایی که می‌خواهیم آن‌ها بیاموزند باید به صورت سنجیده و منظم تدریس کنیم. با این تصور که کودکان از طریق زندگی با آنها کشف آزادانه زمینه‌های اجتماعی و مادی آنها بتوانند آگاهانه و عالمانه با اصول و قوانین حاکم و با شیوه‌های تفکر خاصی که می‌خواهیم یاد بگیریم، آشنا شوند و به طور یقین تدریس یکی از مهمترین وظایف مدارس است که باید به نحو احسن انجام گیرد. عناصری که در آموزش و پرورش و یادگیری مورد توجه و علاقه مدرسه می‌باشد، به صورت فعالیت‌های یادگیری برای رسیدن به هدفهای آموزش و پرورش به وسیله‌ی معلمان و سایر صاحبان اقتدار به طور عمدی تنظیم می‌شوند و نهادهایی که به لحاظ عملی به امر تدریس هر چند به صورت روش‌های غیر معمول هم باشد، بی‌توجه هستند، به سختی می‌توانند عنوان مدرسه را حفظ کنند [۱۲].

اهمیت یادگیری

بیشتر رفتارهای آدمی یاد گرفته یا در حال یادگیری هستند، شناخت اصول یادگیری کمک می‌کند تا علت‌های رفتاری شناخته شوند. اگهی از فرایند یادگیری در فهم رفتار بهنجار و انطباقی کمک می‌نماید که علاوه بر امکان درک اکثر شرایطی که به رفتار ناسازگار منجر می‌شود به ما این امکان را میدهد که رفتار ناسازگار را بیشتر درک و از روش‌های موثرتر روان درمانی استفاده شود. علاوه بر این، رابطه نزدیکی بین اصول یادگیری و روش‌های آموزشی وجود دارد و در بسیاری از موردها، اصول حاصل از تحقیقات یادگیری آموزشی‌گاهی در کلاس درسی کاربرد دارند [۱۳]. استفاده وسیع یادگیری برنامه‌ای، ماشین‌ها و ابزارهای آموزشی یا آموزش کامپیوتری از جمله اقداماتی هستند که چگونگی اثر پژوهش بر روش‌های آموزشی را توضیح می‌دهند. از جمله محصولات پژوهش‌های مربوط به فرآیند یادگیری می‌توان، روند جاری آموزش و پرورش در جهت نظام‌های آموزشی مشخص یا آموزش فردی در نظر گرفت که به صورت منطقی نتیجه می‌شود پایه‌ی رشد دانش از فرآیند یادگیری، یا روش‌های آموزشی موثرتر و یا کارآمدتر باشند و در بیشتر مطالعات یا پژوهش‌های آموزشی مورد استفاده قرار گیرند؛ البته این روش می‌تواند نتایج بهتری را در

سطح آموزش درسی نیز ایجاد نماید که رشته ریاضی نیز یکی از دروسی می‌باشد که می‌تواند از چنین عواملی جهت آموزش به دانش‌آموزان استفاده نماید [۱۴].

شرایط یادگیری

گنیه در یادگیری محصول شرایط درونی و بیرونی، اعتقاد دارد که معیار تعیین شده این شرایط، ذهن فراگیر می‌باشد. به عبارتی یعنی آنچه باید در هنگام یادگیری در درون ذهن افراد فراگیر فعال شود، شرایط درونی آن می‌باشد. در حقیقت شرایط درونی مجموعه‌ای از توانایی‌های آموخته شده قبلی می‌باشد که توسط مجموعه‌ای از فرایندهای تبدیل، مورد اهمیت قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال کودکی که نوشتن کلمه کتاب را یاد گرفته است، این یادگیری بر آموخته‌های قبلی او استوار شده است و با کمک آنها ایجاد شده است. در واقع، کودک طریقه نوشتن حروف ک، ت، ا، ب را قبلاً آموخته و یاد گرفته است. دومین مورد از شرایط یادگیری، بیرونی است که یعنی آنچه در زمان یادگیری خارج از ذهن فراگیر توسط معلم صورت پذیرفته باشد [۱۵]. وقوع یادگیری می‌تواند ناشی از تفاوت موجود در عملکرد انسان قبل و بعد از قرارگیری در یک موقعیت یادگیری استنباطی باشد. توانایی‌های آموخته شده قبلی، شرایط درونی لازم را جهت یادگیری شکل داده‌اند. این شرایط درونی توسط مجموعه‌هایی از فرایندهای تبدیل تحت تأثیر قرار گرفته بودند و دومین دسته شرایط یادگیری نسبت به یادگیرنده بیرونی محسوب می‌شود. به عنوان مثال فردی را در نظر بگیرید که اکثر توانایی‌های قبلی جهت ضرب دو عدد را فرا گرفته است، دلیل خاصی وجود نخواهد داشت که فرض شود شرایط بیرونی که جهت یادگیری این موارد ضروری باشد و مانند شرایط بیرونی جهت یادگیری موارد دیگر باشد. دو نوع توانایی متفاوت بدون شرایط یکسان آموخته شده‌اند که آنها علاوه بر توانایی‌های قبلی متفاوت به شرایط بیرونی مختلفی نیز نیاز دارند تا بتوانند به یادگیری بهتر منجر شوند. یادگیری هر نوع توانایی جدید از نقطه متفاوتی از یادگیری قبلی می‌تواند شروع شود و به موقعیت بیرونی نیز احتیاج دارد [۱۶].

نظریه امنیت

امنیت در فرهنگ لغت عبارت است از در امان بودن، آرامش و آسودگی، احساس آزادی از ترس و رهایی از تهدید. امنیت از نیازهای اولیه بشر و شاید به نوعی مهم‌ترین نیاز یک مدرسه است که بدون وجود آن ماهیت وجودی مدرسه زیر سوال قرار می‌گیرد [۵]. از دید برخی از محققین و اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی امنیت کلیه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. [۶] اولین بار واژه امنیت توسط بوزان به کار برده شده است. بوزان (۲۰۰۰) امنیت را یک هویت می‌نامد و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌کند. هویت در اینجا منظور آن چیزی است که به افراد امکان این را می‌دهد تا خود را جزئی از مدرسه بدانند. [۷]. مازلو (۱۹۷۰) نظریه‌ای ارائه کرد که بر اساس آن تامین نیازهای انسان به صورت سلسله مراتبی است. در این نظریه نیازهای انسان به سطوح مختلف طبقه بندی شده است که در سلسله مراتب یک هرم قرار گرفته‌اند و تا نیازهای سطح پایین تر بشر تامین نشود، او به دنبال برآوردن نیازهای سطح بالاتر خود نخواهد رفت. بر این اساس امنیت یکی از اولیه ترین نیازهای بشر است که در سطح دوم هرم مازلو قرار دارد به طوری که نیازهای سطوح بعدی مانند احترام، اخلاق و والاترین نیازهای بشر منوط به تامین امنیت هست [۸].

امنیت از اصول و در حقیقت زیربنای توسعه قلمداد می‌شود و بدون وجود امنیت توسعه‌ای وجود نخواهد داشت. در واقع توسعه پایدار در یک منطقه منوط به وجود امنیت پایدار در آن محیط است [۹].

نظریه امنیت اجتماعی

^۱Buzan

^۲Maslow

امنیت اجتماعی به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدید کننده بر می گردد و ممکن است با واقعیت موجود مطابقت نداشته باشد و تحت تاثیر میزان و اثر عوامل تهدید کننده، میزان احساس امنیت اجتماعی نیز می تواند نوسان داشته باشد [۱۰]. امنیت اجتماعی مقوله بسیار مهمی است به طوری که ممکن است در عین وجود امنیت مردم احساس امنیت نداشته باشند؛ زیرا ذهنیت مردم از مدرسه نقش بسیار مهمی در میزان امنیت اجتماعی آنها بازی می کند. [۱۱] عدم وجود امنیت اجتماعی در یک مدرسه می تواند تاثیر مخربی بر سرمایه های انسانی آن بگذارد و میزان مشارکت مردم در فعالیتهای اجتماعی را به شدت کاهش دهد. بنابراین میزان دخالت مردم و احساس مسئولیت در قبال اهداف ملی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحت تاثیر عدم احساس امنیت میتواند تا حد چشمگیری کاهش یابد. برخی از محققین نیز معتقدند که احساس امنیت در یک مدرسه گاهی از وجود امنیت مهم تر است زیرا که واکنش ها و عکس العمل های افراد در مدرسه به میزان قابل توجهی به میزان دریافت و ادراک آنها نسبت به تلقی که نسبت به واقعیت دارند بستگی دارد نه خود واقعیت. [۱۲] احساس امنیت یک پدیده روان شناختی است که ناشی از تجربه های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است [۱۳]. عوامل مختلفی می تواند در احساس امنیت افراد یک مدرسه نقش بازی کند. به عنوان مثل نقش رسانه ها به عنوان ابزار اطلاع رسانی در مقوله احساس امنیت بسیار چشمگیر است. محققان مختلف، ابعاد مختلفی را برای احساس امنیت یک فرد در نظر گرفته اند؛ برخی ابعاد احساس امنیت را عبارت از احساس امنیت جانی، اقتصادی، ناموسی و اجتماعی می دانند [۱۴]. برخی دیگر نیز ابعاد مالی، جانی و عاطفی یا طبقه بندی دیگری شامل احساس امنیت جانی، اقتصادی و اجتماعی بیان کرده اند [۱۵]. برخی ابعاد احساس امنیت را شامل احساس امنیت مالی، جانی و اجتماعی عنوان کرده است [۱۶].

امنیت فردی :

امنیت فردی در مدرسه هنگامی تامین می شود که اولاً حقوق پایه ای و حیاتی فرد به رسمیت شناخته شود؛ و مبنای این رسمیت منشور ملی و قانون اساسی است. ثانیاً دفاع از این حقوق قانونی به صورت مصرح، نهادینه شده و ساختاری مورد پذیرش قرار گیرد و تحت الشعاع علایق و سلیق شخصی، حزبی و فکری قرار نگیرد. ثالثاً نهادها و نیروهای حراست کننده از حقوق اساسی افراد باید پاسخگو باشند؛ یعنی برای مدت معلوم و فقط برای مقطع زمانی مشخصی، نمایندگی مردم را داشته باشند و برای اعمال و تصمیمات خود پاسخگو باشند. رابعاً تدارک حقوق فردی نباید صرفاً حالت درمانی و پسینی داشته باشد بلکه نهادهای مسئول باید منابع تدارکاتی و اقدامات پیشگیرانه را در اولویت قرار دهند و به برخورد انفعالی با ناامنی های فردی اکتفاء نکنند. [۲۰]

امنیت عمومی:

گاه امنیت عمومی به دلیل اینکه مرجع آن با امنیت اجتماعی یکی است، این دو مفهوم یکی تلقی شده است. حتی تهدیدات و آسیب هایی که این دو گونه امنیت را مورد خطر قرار می دهد با توجه به این همپوشانی یکی تلقی شده است. اما باید اشاره به این نمائیم که « وقتی سخن از امنیت اجتماعی به میان می آید بر بسترهای اجتماعی امنیت تأکید می گردد، نباید آن را با امنیت عمومی یکسان دانست. زیرا امنیت عمومی در پی حفظ و حراست شهروندان از گزند آسیب ها و تعارضات است. این گونه شهروندان را به طور منفرد در قالب شهر و روستا، از آسیب ها و خطرات عینی و فیزیکی مانند خطرات جانی، مالی و غیره در امان داشته و با متخلفان و مجرمین اینگونه آسیب ها مقابله می نمایند در مقابل امنیت اجتماعی تمرکز بر روی گروه ها و واحدهای اجتماعی کرده که دارای هویت اجتماعی هستند و بیشتر اشاره به برخی از جنبه های تعامل گروه های اجتماعی از جمله اعتماد، صداقت، وفاداری و... می نماید و در مقابل آسیب رساندن به این دسته از تعاملات با مجرمین برخورد خواهد کرد. [۲۲]

امنیت ملی:

نیروهای اجتماعی در نظام های سیاسی گوناگون رفتارهای مختلفی را از خود نشان می دهند. این تفاوت به علل مختلفی از جمله فرهنگ، سازمان یافتگی احزاب، شیوه های اعمال قدرت سیاسی، ماهیت نیروها و گروه های اجتماعی و سیاسی، توزیع قدرت و منابع

آن باز می گردد. با توجه به این موارد امروزه ما در سطح جوامع با جریانات همگونی در قالب جنگ‌های قومی، شهری، بنیادگرایی دینی و حق طلبی زنان روبرو هستیم که ضرورت بازنگری به هویت و تحکیم پایه‌های آن را گوش زد می‌کند. از سوی دیگر مدت‌های طولانی است که افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، در لوای نظام‌های سیاسی سامان یافته و حیات و ممت آنان، با ملزومات و اقتضانات دولت‌های ملی گره خورده است [۲۴]. امنیت ملی به منظور حفظ تمامیت مدرسه نقش بسزایی دارد. این گونه امنیت دارای دو بعد متفاوت اما در عین حال مرتبط باهم دارد. «الف) بعد داخلی یا درون گرا: که ناظر بر ایجاد نظم و آرامش و ایمن داخلی، تامین منافع عمومی و به خصوص توانایی دولت یا حکومت در جهت برآوردن توقعات روزافزون مدرسه و بالاخره توسعه مترقیانه فرهنگ و تمدن مورد بحث است. ب) بعد خارجی یا بیرون‌داد: که ناظر به نحوه تعیین جایگاه یک کشور در صحنه بین المللی است.» [۲۵] در این راستا آنچه که اهمیت دارد مجموعه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های یک کشور اعم از سیاسی یا نظامی و اقتصادی در حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال سیاسی، اعمال صحیح حاکمیت بر منافع طبیعی، حفظ محیط زیست در مقابل تهدیدات خارجی است. «امروزه مفهوم امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور از طریق توان نظامی است.» [۲۶]

ویژگی‌های امنیت اجتماعی:

ویژگی‌های امنیت را به شرح ذیل می‌توان بیان کرد:

۱ جامع بودن: جامع بودن در حوزه امنیت اجتماعی و به طور کلی در بحث امنیت با شمولیت ارتباط پیدا می‌کند، یعنی هر حوزه ای را که به اداره امور مدرسه مرتبط می‌کند می‌توان برای بسط امنیت اجتماعی ضروری دانست. علت این جامع بودن و شمولیت هم بر این اساس است که فرد یا مدرسه از تهدید و خطر مصون باشد و ناامنی نیز حالتی است تهدیدآمیز که در معرض خطر بودن را القاء می‌نماید؛ و خطر یا همان عاملی که وجودش سلب کنند امنیت اجتماعی است. در برگیرنده عوامل یا وضعیتی است که مخل بر وجود و کمالات آن باشد، البته عوامل متعددی چون زمان، ایدئولوژی، اوضاع و احوال داخلی مدرسه، دیدگاه رهبران در میزان امنیت اجتماعی و نحوه و آسیب یا حفظ این نوع امنیت در مدرسه. [۱]

۲ تجزیه ناپذیری: فقدان امنیت اجتماعی یا هر نوع امنیتی در سطح داخلی و بین المللی باعث می‌شود که به کل امنیت صدمه وارد گردد. در ارتباط با این مسئله مفاهیم خودی دیگری مهمترین پایه در بار معنایی امنیت اجتماعی و هر نوع امنیتی می‌باشد. در سطح کلان خودی کسی است که به اهداف ثابت امنیت اجتماعی شامل انسجام اجتماعی، وحدت ملی، تامین اجتماعی، رفاه و آسایش، حیثیت داخلی، حفظ و افزایش مشارکت مدنی، استقلال و خودکفایی معتقد است و دیگری هم اشاره به راهبردهای امنیت داخلی می‌کند که می‌تواند اثر گذار باشد. [۲]

۳ ذاتی بودن: هم به معنای عدم نیاز به علت و هم به معنای ضروری و نیاز غیرقابل رفع و ویژگی ناگزیر و غیرقابل گریز می‌باشد. لذا امنیت اجتماعی یعنی مصونیت و نیاز به مصونیت، علم مصونیت و مدافع آن می‌باشد. [۳]

۴ متمرکز بودن بر عدالت: این مسئله مقدم بر همه امر در مدرسه اسلامی می‌باشد. این ویژگی در نظام اسلامی شامل تمام احکام الهی، رعایت حق و قسط و مسئولیت متقابل حاکم و ملت و انصاف و شفقت بر خلق و مانند این‌ها می‌باشد که باعث می‌شود امنیت اجتماعی با عدالت رابطه داشته باشد. [۴]

۵ ضریب هبستگی امنیت با سایر شئون حیات اجتماعی انسان: در واقع برخوردار بودن از امنیت در هر سطح و مفهومی به این معناست که این پدیده برای مدرسه بسیار ارزشمند است و از منزلت والایی نسبت به سایر پدیده‌ها اجتماعی برخوردار است. به عبارت دیگر نسبت امنیت و امنیت اجتماعی به سایر امور مدرسه مانند نسبت روح به کالبد است. با توجه به این امر امروزه در هر مدرسه ای امنیت اجتماعی یا امنیت در هر بعدی می‌تواند با سایر امور همچون اقتصاد، سلامت، سیاست، دین، فرهنگ و... رابطه داشته باشد. در واقع هر چه ضریب ابعاد حیات اجتماعی مدرسه بالاتر باشد، در واقع امنیت هم بیشتر ارتقاء می‌یابد. [۵]

گفتمان‌های امنیت اجتماعی:

با توجه به اینکه لغت امنیت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب از بعد اجتماعی همراه بوده و همچنین از وجه اجتماعی این مفهوم در لغت نوعی آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تضمین و تامین را هم به دنبال دارد در حوزه رویکردی به مطالعات امنیتی بین حوزه مدرسه شناسی و مطالعات امنیتی تفاوت وجود دارد [۶]. از بعد مطالعات مدرسه شناختی دو نوع رویکرد یا گفتمان در مورد امنیت اجتماعی وجود دارد که به شرح زیر می‌باشد:

گفتمان سلبی:

در این رویکرد یا گفتمان، فقدان امنیت و یا نبود امنیت اجتماعی در مدرسه باعث شده که پدیده ای به نام تهدید بوجود آید؛ «راهبرد اصلی در این رویکرد امنیتی، تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان است. از این دیدگاه جنگ ادامه سیاست البته با ابزار و وسایلی دیگر به شمار می‌رود و به زمامداران توصیه می‌شود برای افزایش ضریب امنیتی قلمروشان، در تجهیز و تقویت ساز و برگ و توان جنگی شان کوشا باشند. در این دیدگاه، امنیت در نبود تهدید نظامی معنا می‌شود و بنابراین سیاست امنیتی متوجه دستیابی به حداکثر توان نظامی برای تفوق بر دشمنان داخلی و خارجی کسب امنیت است. این موج به اقتضای ماهیتش طیف متنوعی از صاحب نظران را در بر می‌گیرد که شاخص‌های اصلی آنها رویگردانی از محوریت عامل نظامی در تعریف و تحدید امنیت است [۷].

وجه سلبی امنیت و سازوکارهای آن در جدول فوق آمده است. چنانکه ملاحظه می‌شود، خلاصی در مقابل وجوه گوناگونی از خطرات تلقی شده است؛ به عبارت دیگر بر وجه رهایی از خطر و تهدید به عنوان حوزه معنای امنیت تأکید شده است. پس امنیت را می‌توان توانمندی ایجاد شرایط عاری از خطر و مشکلات تعریف کرد. این تعریف از امنیت مبتنی بر نگرش عینی و واقع بینانه از خطرات فیزیکی و مادی خارجی است، یعنی خطرات شامل موضوعات ملموس و مشخصی چون جنگ، خشونت، آشوب و غیره هستند.» [۸] این رویکرد بر فقدان تهدید، دلالت نظر دارد، به این معنا که گفتمان سلبی به مفهوم نبودن خطر، تهدید و برخورداری نسبی از آرامش و اطمینان خاطر معطوف شده است. بوزان هدف از این رویکرد را استقرار و نظم و برقراری ثبات دانسته است. در این رویکرد امنیت اجتماعی عبارت است از «ظرفیتی که تهدید از یک بازیگر بیرونی، نسبت به منافع حیاتی و همه بازیگر اصلی وجود نداشته باشد» [۹]؛

گفتمان ایجابی:

در این رویکرد امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود، بلکه با وجود تهدید در سطح مدرسه، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و درخواست‌های اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد. در این گفتمان امنیت به نوعی، ماهیتی تاسیسی دارد که در مدرسه باید توسط خود شهروندان آن مدرسه ایجاد گردد. در یک نگاه کلی این رویکرد بر این مبناست که مدرسه به مرحله قابل قبولی از آگاهی و تحصیل و دانش رسیده است که برای پاسداری از منافعش بتواند خود از آن حراست و نگهداری کند [۱۱]. در این گفتمان «امنیت، توانایی و شرایط عینی را شامل می‌شود که در آن بستر می‌توان به منافع همگانی دست یافت. گفتنی است که مطابق این تفسیر، مفهوم امنیت نسبت به منافع عمومی نیز از اولویت برخوردار است، چرا که تحقق یا عدم تحقق منافع جمعی در گرو بود یا نبود امنیت است. بر این اساس مدرسه ای که در عین درگیر نبودن با تهدید خارجی یا داخلی، توان لازم را برای دستیابی به منافع جمعی اش نداشته باشد، امنیت ندارد و ناامن گفته می‌شود. گفتمان ایجابی را باید گفتمانی تازه در حوزه مطالعات امنیتی به شمار آورد که بیش از دو دهه از عمر آن نمی‌گذرد.» [۱۲]

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که یاددهی و یادگیری غیراصولی و به کارگیری نیروهای اجرایی غیرمتخصص پیامد-های مخرب اقتصادی و اجتماعی برای دانش‌آموزان به همراه خواهد داشت که می‌توان زیان‌های اقتصادی، افت اعتماد به نفس، افسردگی، احساس حقارت، در نتیجه عدم شکوفایی استعدادها و توانایی‌های فرد شکست خورده در تحصیل را نام برد. علاوه بر آن

یاددهی و یادگیری غیراصولی در برخی موارد باعث بدفهمی در یادگیری ریاضی می‌شود که دانش‌آموزان دچار سردرگمی و سبب عدم موفقیت آنها در حل مسائل می‌شود. از طرف دیگر ماهیت پیوستگی مفاهیم ریاضی می‌تواند مشکلات بدفهمی را در یادگیری ریاضی برای دانش‌آموزان چندین برابر کند. جان مایه احساس امنیت برگرفته از امنیت عینی و تلاش جهت استقرار امنیت در مدرسه است، بنابراین وجود امنیت و احساس امنیت به یک اندازه مهم و جدی ارزیابی می‌شود، اگر چه بعضی نیز پا را فراتر از این نهاده و بر این باورند که احساس امنیت بر وجود آن مقدم است و ناچار به هر شکل ممکن باید در قوام آن کوشید، چرا که احساس امنیت موجب اعتماد به نفس شهروندان شده و نتیجتاً به مشابه سرمایه انسانی قادر خواهد بود در توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نقش بایسته خود را ایفا نماید.

منابع و مأخذ

- [۱] ابراهیم پور، کومله، خزایی، سمیرا (۱۳۹۱) آسیب‌های نو پدید؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی در کمین خانواده
- [۲] ادیسی، افسانه، شیخ دادزاده، لیلیا، برزگری، محمدرضا، (۱۳۹۵)، تأثیر احساس امنیت اجتماعی بر سلامت اجتماعی پزشکان (مورد مطالعه؛ پزشکان شهر تهران)، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۳۴، شماره ۳، از صفحه ۲۱۵ تا صفحه ۲۳۲.
- [۳] افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید تهران: مرکز مطالعات دفاعی و امنیتی دانشگاه امام حسین.
- [۴] افشار، محمدرضا (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در تهران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- [۵] افشانی، علیرضا؛ فرقانی، مهناز (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی رابطه سلامت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱۶، علمی پژوهشی / ISC، ۱۶ صفحه از ۱ تا ۱۶
- [۶] اکبری، سینا؛ سعیدی، علیرضا و صائب، محمد (۱۳۹۶)، بررسی آسیب‌های نوپدید؛ بررسی میزان تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر طلاق زوجین جوان (مطالعه موردی اصفهان)، فصلنامه دانش مدیریت اصفهان، شماره ۱۳، صفحه ۷۷ تا ۹۲.
- [۷] اکبری، شیماء؛ سلطانی فر، محمد؛ جعفری، علی (۱۳۹۹)، بررسی رابطه دیجیتالی شدن مصرف رسانه‌ای با احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان تهرانی، مجله امنیت پژوهی، شماره ۷۰ علمی پژوهشی / ISC (۲۲ صفحه از ۱۳۳ تا ۱۵۴)
- [۸] امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمدرضا، عیسی‌نژاد، امید؛ مرندي، زهره (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره چهارم، پاییز، صص ۳۴۷.
- [۹] امینی زاده، سینا؛ طبیعی، منصور (۱۳۹۹)، بررسی فناوری‌های ارتباطی جدید، هویت و احساس امنیت اجتماعی (دانشجویان دانشگاه کرمان)، مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۸۲ علمی پژوهشی / ISC (۳۰ صفحه از ۱۱۹ تا ۱۴۸)
- [۱۰] انتظاری، علی؛ اسدپور، عهدیه؛ احمدی آهنگ، کاظم (۱۳۹۴)، احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش پلیس (مورد مطالعه: شهر نور). فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره ۴
- [۱۱] باجپایی، کانتی (۱۳۸۴)، امنیت انسانی، مفهوم و سنجش، تألیف و ترجمه: شیبانی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور اداری مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات.
- [۱۲] بل، دیوید (۱۹۶۵) درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر ترجمه مسعود کوثری، حسین حسینی
- [۱۳] بوردیو، پیر (۱۳۸۰) نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.

- [۱۴] بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، چاپ اول، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [۱۵] بیات، بهرام (۱۳۸۸)، مدرسه شناسی احساس امنیت، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر
- [۱۶] پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات غدیر
- [۱۷] پریزاد، رضا؛ ذبیحی حسینی، سعید (۱۴۰۰)، بررسی تحلیل نقش شبکه های اجتماعی مجازی خارجی بر رضایت از زندگی کاربران با تاکید بر نقش میانجی گرانه احساس امنیت اجتماعی، مجله دانش تفسیر سیاسی، شماره ۷ (۲۸) صفحه - از ۵۲ تا ۷۹
- [۱۸] تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، انتظام در پراکنده امنیت ملی ایران، اندیشه نو، پیش شماره اول.
- [۱۹] ترابی، یوسف؛ گودرزی، آیت (۱۳۸۳)، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش اجتماعی، ۶(۲)، ۳۱۴۶.
- [۲۰] جان پور، محسن؛ حیدری موصلو، طهمورث (۱۳۹۱)، آسیب شناسی فضای سایبر بر امنیت اجتماعی، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، شماره سوم، سال چهارم، پاییز، صص ۱۴۱۱۷۲.
- [۲۱] چلبی، مسعود (۱۳۸۲) مدرسه شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشرنی.
- [۲۲] چلبی، مسعود (۱۳۸۶) تحلیل اجتماعی در فضای کنش؛ چاپ اول تهران: نشرنی.
- [۲۳] حاتمی، یاسر؛ ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۳۹۹)، بررسی تأثیرگذاری فضاهای کالبدی بر احساس امنیت اجتماعی در محلات شهری. مطالعه موردی: شهر همدان، مجله آمایش جغرافیایی فضای، شماره ۳۶ علمی پژوهشی / ISC (۲۲) صفحه از ۱۹۷ تا ۲۱۸
- [۲۴] حبیب زاده ملکی، اصحاب؛ و قاسمی، محمد، (۱۳۸۸)، رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی و تصویری و بزهکاری نوجوانان، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۹۵۱۲۰
- [۲۵] حبیبیان، شهناز؛ سلیمانی فارسانی، ابراهیم؛ برزکار، فاطمه و مردانی زاده، اسماعیل (۱۳۹۹)، آسیب های فضای مجازی، چاپ اول، تهران: انتشارات پادینا
- [۲۶] حیدری کاشانی، محمدباقر (۱۳۸۹) سالنامه به سوی ظهور، قم: سبط النبی